

## انتحال یا پژوهش

انقلاب اول روسیه و عصر مشروطه، تحولات ایران و آسیای میانه، دکتر گلناز سعیدی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۴

در سال ۱۳۸۴، انتشارات امیرکبیر کتابی را منتشر کرد تحت عنوان انقلاب اول روسیه و عصر مشروطه، تحولات ایران و آسیای میانه که پس از انتشار، دو نقد بر آن نوشته شد. یکی با نام «روسیفیکاستیا، رسوبات روسی در پژوهش‌های پس از فروپاشی شوروی» از محسن حقیقی در مجله جهان کتاب<sup>۱</sup> و دیگری نیز تحت عنوان معرفی و نقد کتاب توسط آقای امیر هوشنگ بختیاری در شماره ۲۳ مجله فصلنامه تاریخ روابط خارجی<sup>۲</sup> ویژه‌نامه یکصدمین سالگرد انقلاب مشروطیت. اگر چه هر دوی این یادداشت‌ها به نکاتی ارزنده در کاستی‌های اساسی کتاب و تأثیر ادبیات و تحلیل‌های مارکسیستی مباحث آن اشاراتی داشته‌اند، اما آن گونه که باید به موضوع پرداخته‌اند.

در نهایت تأسف باید گفت که این کتاب در حقیقت نتیجه دسترنج و زحمت چند نویسنده ایرانی و غیر ایرانی است، که نویسنده مطالب مباحث مورد نظر خود را در کتاب‌های آنان یافته و سپس به رونویسی از آنها پرداخته‌اند و در این رهگذر ایشان خود به صلاحدید خویش دخل و تصرف‌هایی هم در متن اصلی کرده‌اند. به عنوان مثال یک پاراگراف از متن ماخذ اصلی را تبدیل به دو پاراگراف نموده و یا بالعکس دو پاراگراف را در هم ادغام کرده و یک پاراگراف

جدید ساخته‌اند! نویسنده بدین نیز اکتفا ننموده، به تشخیص و سلیقه خود واژه‌هایی را که در متن اصلی وجود داشته با واژه‌های دیگری که مثلاً مترادف آنها هستند تعویض کرده‌اند. اما در برخی موارد به دلیل ندانستن معانی درست واژه‌ها، معادل‌هایی جای آنها گذاشته‌اند که نه تنها هیچ نزدیکی و هم‌معنایی با واژه قبلی نداشته، بلکه کاملاً بی‌معنی نیز هستند و در مواردی کاملاً مفهوم و منظور اصلی نویسندهٔ ماخذ اصلی را یکصد و هشتاد درجه تغییر داده و تبدیل به چیز دیگری - کاملاً متضاد با آنچه که منظور او بوده - نموده است.

نویسنده از نقل قول‌هایی طولانی که در بسیاری موارد حتی به ۲ تا ۳ صفحه هم می‌رسد سود جست و باز به میل خود مثلاً چند سطر و یا یک پاراگراف را در داخل گیومه قرار داده و آن را به ماخذ مورد استفاده خود ارجاع داده است و بقیه را هم اگر چنانچه خود به نقل از ماخذ دیگری بوده، بیشتر مستقیماً به همان منابع و ماخذ اصلی مورد استفادهٔ نویسنده ارجاع داده است. زیرنویس‌هایی هم که در ماخذ اصلی برای توضیح بیشتر و روشن نمودن خواننده به کار رفته، از دستبرد ایشان مصون نمانده و در پاره‌ای موارد، ایشان آنها را نیز از حاشیه بیرون کشیده و در داخل متن خود گنجانده و به آنها هویت مستقل بخشیده‌اند! از دیگر نوآوری‌های نویسنده در این عرصه، استفاده از نقل قول‌های شفاهی اساتید در سر کلاس درس و ارجاع خواننده به آنها است که در نوع خود بی‌نظیر است.

بر آن هستیم تا در این جا به فصولی از این کتاب را بررسی و با منابع و ماخذ ادعایی نویسنده مطابقت دهیم تا زوایای بیشتری از این دست پژوهش‌های بدیع به دست آید.

\*\*\*

فصل نخست کتاب «نگاهی به اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در آستانهٔ انقلاب ۱۹۰۵» نام دارد، در این فصل نویسنده با استفاده از چند کتاب و رنویسی از مطالب آنها، سر و ته کار را به هم آورده است. پاراگراف ماقبل آخر صفحهٔ ۲۲ از این فصل: «در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم...» و تقریباً تمام صفحهٔ ۲۳ از: «مقدار و مالیات نیز روز به روز...» تا پایان این صفحه، از کتاب انقلاب مشروطیت، س. ایرانسکی، م.پ. پاولویچ، و تریا ترجمهٔ هوشیار رونویسی شده است، بدون آنکه نویسنده این نقل قول‌های مستقیم را داخل گیومه قرار بدهد. در صفحهٔ ۲۷ از پاراگراف: «به گفتهٔ احتشام السلطنه...» تا پایان صفحه عیناً از کتاب شیخ فضل‌الله نوری و مشروطیت (رویارویی دو اندیشه) رونویسی شده، ظاهراً نویسنده از این موضوع غافل بوده‌اند که همهٔ این قسمت خود نقل قولی است از یک کتاب دیگر به نام «مجموعه‌ای از اعلامیه‌های شیخ فضل‌الله نوری، ج ۱، ص ۱۵۰» و سپس مستقیماً به کتاب «شیخ فضل‌الله و...» ارجاع داده‌اند! تمام صفحهٔ ۲۸ و ۴ سطر از صفحه ۲۹ باز هم از روی کتاب «شیخ فضل‌الله و...»

رونویسی شده و باز هم در اینجا به جز یک مورد که به ماخذ اصلی اشاره شده در بقیه موارد، پایان‌نامه نویس مستقیماً به کتاب‌های مورد استفاده نویسنده «شیخ فضل الله و ...» ارجاع داده است.

پاراگراف سوم صفحه ۳۲: «در واقع، انقلاب ۱۹۰۵ در قفقاز...» تا آغاز پاراگراف اول صفحه ۳۳، عیناً از دو صفحه ۱ و ۲ کتاب قفقاز در تاریخ معاصر C کی‌برداری شده. پاراگراف اول ص ۳۳: «قفقاز را مخزن تحلیل یافته ...» تا آغاز پاراگراف اول در صفحه ۳۴، از دو صفحه ۳ و ۴ همان ماخذ رونویسی شده. پاراگراف اول صفحه ۳۴: «در قفقاز هم از نظر دینی تفاوت‌هایی وجود داشت...» تا آغاز پاراگراف دوم در صفحه ۳۵ کتاب خانم سعیدی، باز هم رونویسی است از دو صفحه ۵ و ۶ ماخذ نام برده شده است. و چندین مورد دیگر که برای جلوگیری از اطاله کلام از آن می‌گذریم.

در ص ۳۸ کتاب تیتری تحت عنوان: «وضعیت باکو در آستانه انقلاب ۱۹۰۵» وجود دارد. از بخش آغازین مطلب که در زیر تیترا آورده شده است: «باکو چه پیش و چه بعد از انقلاب اول روسیه...» تا پایان ص ۳۹ و سطری از صفحه ۴۰ تماماً زیرنویسی است که آقای خسروشاکری در مقاله «کنگره باکو، سرآغاز تحولی نو در سیاست خارجی شوروی» - چاپ شده در صص ۱۲۹-۱۵۲ همان کتاب قفقاز در تاریخ معاصر - آورده است!

تا پایان این فصل نیز به همین روش عمل شده است. دو کتاب: تاریخ مشروطه ایران، احمد کسروی و فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، فریدون آدمیت، از دیگر ماخذی هستند که نویسنده با کی‌برداری از روی آنها نخستین فصل کتابش را جفت و جور نموده است. مانند پاراگراف ص ۴۸، «پس از مشروطه، نخستین روزنامه... آگاهی‌های خود را از آن برداشته‌ایم» که از ص ۲۶۸ کتاب کسروی رونویسی شده. در ص ۵۰ کتاب، پس از تیترا «وضعیت فرهنگی»، شروع پاراگراف نخستین تا پایان آن در ص ۵۱ عیناً از صفحه‌های ۱۴، ۱۵ و ۱۶ کتاب فکر دموکراسی اجتماعی... رونویسی شده است.

فصل دوم این کتاب «شکل‌گیری احزاب سیاسی در ایران» نام دارد و از ص ۵۵ تا ص ۸۲ کتاب به آن اختصاص داده شده است. به جرئت و با اطمینان می‌توان گفت که ۹۵ درصد این فصل رونویسی از چند کتاب است:

در ص ۶۲ کتاب پس از تیترا «انجمن‌های مخفی در عصر مشروطه» مطالب زیر تیترا، همه از صص ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱ و ۱۲۲ کتاب پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت منصوره اتحادیه (نظام مافی) کی‌برداری شده است. در ص ۶۵، مطالب پس از تیترا «انجمن ملی» تا پایان ص ۶۶ از صفحه‌های ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹ و ۱۳۰ همان کتاب، رونویسی شده. از ابتدای

پاراگراف سوم «نخستین تشکیلاتی که به سال ۱۹۰۲...» در ص ۶۹ تا انتهای ص ۷۰ از روی کتاب «رسول زاده، فرقه دموکرات و تحولات معاصر ایران» حسین آبادیان، کپی برداری شده است. تمامی مطالب زیر تیتراژ «احزاب عامیون، اعتدالیون که تحت احزاب سوسیال دموکرات قفقاز قرار داشتند» در ص ۷۲ تا پایان پاراگراف دوم «... به پیروزی شورش تبریز امیدوار نبودند.» در ص ۷۷ از صفحه‌های ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱ کتاب «فکر دموکراسی اجتماعی...» فریدون آدمیت رونویسی شده است. البته ناگفته نباید گذاشت که تیتراژ انتخابی بخش اشاره شده از خود پایان نامه نویسنده است.

فصل سوم «چگونگی شکل‌گیری احزاب سیاسی در روسیه و تأثیر آن بر روند انقلاب ۱۹۰۵-۱۹۰۷» نام دارد که از ص ۸۳ تا ۸۸ کتاب را تشکیل می‌دهد. نخستین پاراگراف این فصل «انقلاب ۱۹۰۵ میلادی وسیع‌ترین...» از ص ۳۸ کتاب «فکر دموکراسی اجتماعی...» فریدون آدمیت رونویسی شده و تا ص ۸۵ که بازار صفحه‌های ۳۹ و ۴۰ همان کتاب کپی برداری شده، ادامه می‌یابد.



فصل پنجم کتاب «چگونگی سانسور مطبوعات در ایران (۱۹۰۵-۱۹۰۷)» نام دارد، این فصل نیز با همان روش پیشین، یعنی به یاری چند کتاب که از روی آنها رونویسی شده، آماده گردیده است. این فصل که از ص ۱۱۳ کتاب شروع می‌شود، عیناً با کلمات آغازین در زیر تیتراژ «آموزش‌های انقلابی» در صفحه ۱۳ جلد دوم تاریخ سانسور در مطبوعات ایران گوئل کهن آغاز می‌شود و تا صفحه ۱۱۵ کتاب ادامه می‌یابد. در این بخش گوئل کهن نقل قولی آورده و در زیرنویس درباره آن نوشته: «از مکتوب فدائیان ملت مقیم قفقاز یاد شده» که در صفحه ما قبل کتاب او، یعنی ص ۱۲، نشانی این مکتوب که ص ۵۹۸ جلد اول تاریخ بیداری ایرانیان ناظم-الاسلام است، داده شده، اما نویسنده این کتاب بدون توجه به ضوابط کار و رعایت موازین که از ویژگی‌های بارز کار پژوهشی است، خواننده را به همان جمله «از مکتوب...» ارجاع داده و او را حیرت و سرگردانی رها نموده که این مکتوب چیست و ناگهان از کجا آمده است.

### دخول و تصرف‌های بی‌مورد و تحریف

نویسنده این پایان‌نامه پس از استفاده گسترده از حاصل کوشش و تلاش دیگران، در هر کجا که خود تشخیص داده و صلاح دانسته، در متن اصلی نقل قول‌ها - چه آنهایی را که مشخص نموده و چه آنهایی را که مشخص نکرده - دست برده و به دلخواه خود واژه‌هایی را به جای واژه-های اصلی قرار داده است. از رهگذر همین تغییرات دلخواه نکاتی عجیب و غریب، بی‌معنی و نامفهوم، خنده دار و گاه با یکصد و هشتاد درجه اختلاف نسبت به آنچه که منظور اصلی نویسنده ماخذ اصلی بوده به وجود آمده است. به چند مورد از این تغییرات اشاره می‌نمائیم: در ص ۲۶ کتاب تبتیری وجود دارد به نام «تشکیل اولین مجلس در مدرسه نظامیه، از زبان ناظم‌الاسلام کرمانی». سپس نویسنده به ذکر مطلب به نقل از ناظم‌الاسلام پرداخته‌اند، اولاً عین مطلب را با حذف‌هایی که مشخص نشده با تغییراتی بسیار جزئی و بدون قرارداد آن در داخل گیومه آورده‌اند و در همین حذف‌هایی که ایشان انجام داده‌اند مطلب را دگرگون کرده‌اند. در کتاب ناظم‌الاسلام نوشته شده: «بعد از قرائت لایحه صدر اعظم... جناب اجل عضدالملک که رئیس مجلس بود یک طاقه شال ترمه کشمیری خلعت داد به...» (تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، ص ۵۷۴).

ولی نویسنده ما این مطلب را به این صورت در آورده است: «بعد از قرائت لایحه صدر اعظم... سپس صدر اعظم یک طاقه شال ترمه کشمیری خلعت داد به...» (سعیدی، ص ۲۷). روشن نیست که در فاصله یک سطر و نیم حذف شده توسط ایشان چه اتفاقی رخ داده که به جای عضدالملک قاجار، این صدر اعظم است که طاقه شال را خلعت می‌دهد!

در ص ۴۲ کتاب، نقل قولی از کتاب قیام با سماچیان آورده‌اند که چنین است: «و در واقع قیام آنها یک قیام مکتبی بوده است»، اما وقتی به ماخذ اصلی مراجعه می‌کنیم با ناباوری هر چه تمام‌تر می‌بینیم که در آنجا نوشته شده: «و قیام آنان مکتبی بوده برای ترکستانی‌ها و آغاز دوران نبرد مسلحانه در آن سرزمین» (ولیدی طوغان، ص ۱۴۶).

در جایی دیگر با نقل و برداشتی از ماخذ اصلی درباره طالبوف چنین جمله‌ای وجود دارد: «طالب‌زاده تبریزی، کتاب‌های علمی و سیاسی می‌نوشت و نشر معرفت می‌کرد» (آدمیت، ص ۱۶). ولی نویسنده این جمله را به این شکل درآورده: «طالب‌زاده تبریزی کتاب‌های علمی و سیاسی می‌نوشت و نشر معرفت را اداره می‌کرد». (سعیدی، ص ۵۰). ملاحظه بفرمائید، به نظر می‌رسد که طالبوف موسسه انتشاراتی به نام «معرف» داشته است؟! کار به همین جا ختم نشده و در دو سطر پایین‌تر، نویسنده «آقا محمد یزدی وکیل التجار» (آدمیت، ص ۱۶) را «آقا محمد تبریزی» کرده است، (سعیدی، ص ۵۰).

در صص ۸۳-۸۵ کتاب، پس از تیتُر «چگونگی شکل‌گیری احزاب سیاسی در روسیه و ...» در مطالبی که از صص ۳۹ و ۴۰ کتاب آدمیت رونویسی شده، تغییراتی به این شکل دیده می‌شود: «مايه» به «مانع»، «طریقه» به «طبقه»، «قدرت» به «قوت»، «مجلس» به «مجالس»، «حاضره» به «خاص»، «متعلق به» به «مال»، «مسائل» به «معنی» و «ساخت» به «کرد» تبدیل شده است. اما اینجا هم متاسفانه ایشان متوجه نشده‌اند که مثلاً «حاضره» به معنی فعلی، اکنون و در حال حاضر، به هیچ وجه با «خاص» هم معنی نیست و اگر در متن اصلی آمده: «آنها معتقدند که مفسدان و اشخاصی را که مایه انقلابند باید از این جزئیات دور کرد» (آدمیت ص ۳۹)، با جایگزین کردن «مانع» به جای «مايه»، اساساً جمله مفهوم دیگری - دقیقاً ۱۸۰ درجه متضاد با مفهوم اصلی خود - پیدا نموده است. یا اگر در متن اصلی نوشته شده: «۲. فرقه اتحاد روس یا سویوز روسکاوونارودا. به اعتقاد این طریقه...» (آدمیت، همانجا)، با تغییر «طریقه» به «طبقه» جمله را از بار معنایی اصلی اش تهی ساخته‌ایم.

در ص ۱۲۳ کتاب، نقل قولی از یحیی آرین‌پور آورده‌اند که او خود آن را از مجله سپید و سیاه نقل نموده، در اینجا نیز نویسنده خواننده را مستقیم به ماخذ مورد اشاره آرین‌پور ارجاع داده‌اند. نقل قولی که آرین‌پور به آن استناد نموده این است: «نزدیک به بیست سال، هر هفته روزنامه نسیم شمال او در مطبوعه کلیمیان که یکی از کوچکترین چاپخانه‌های آن روز طهران بود، در چهار صفحه کوچک به قطع...» (از صبا تا نیما، جلد ۲، ص ۶۲) و باز نویسنده به سبک خاص خویش اجتهاد نموده و پس از تغییرات دلخواه چنین نوشته‌اند: «نزدیک به بیست سال هر هفته روزنامه نسیم شمال در مطبوعات کلیمیان در چهار فصل کوچک به قطع...؟!»

نویسنده در صفحه ۷۶ کتاب خود، مطلبی را از ص ۲۷ کتاب فکر دموکراسی اجتماعی... آدمیت نقل کرده‌اند که خود ایشان نیز آن را از کتاب انقلاب مشروطیت ایران پاولوویچ، تریا و ایرانی‌سکی نقل نموده بود - نویسنده باز هم به شیوه مالوف، آن را مستقیم به ماخذ اصلی ارجاع داده‌اند و به غلط نوشته‌اند «از اعلامنامه انقلاب مشروطیت ایران، ص ۳۴» و اصلاً متوجه نشده‌اند که این نام کتاب نیست. در همان جا باز با مصادره زیرنویس آدمیت و توضیحی که او درباره لفظ «توده خلق» نوشته، آن را به نام خود آورده و تکرار کرده‌اند که: «اصطلاح توده خلق جعلی است و در زبان فارسی می‌گفتند: ملت یا عامه مردم، این گونه تحریف و تغییر در متن اسناد تاریخی ناموجه است».

جا دارد که از نویسنده پرسیده شود شما که نسبت به استفاده از «توده خلق» به جای «عامه مردم» - البته با استفاده از آراء دیگران - اعتراض دارید چگونه دست به این تحریف و دیگر تحریفات زده‌اید؟

### عدم یکنواختی در ضبط نام‌ها و جای نام‌ها

یکی از نواقص عمده دیگر این کتاب، عدم یکنواختی ضبط نام افراد و نام‌های جغرافیایی است. علت این عدم یکنواختی نیز روشن است. چون عمده بحث کتاب پیرامون انقلاب ۱۹۰۵ روسیه است و اکثر قریب به اتفاق ماخذ مورد استفاده به زبان روسی و یا تاجیکی (فارسی با الفبای سیریلیک) - که خود تحت تأثیر بسیار زیاد زبان روسی قرار داشته - بوده است، این آشفتگی‌ها به وجود آمده. نویسنده هم که آنها را به همان اشکال پراکنده و متفاوتی که در ماخذ روسی و یا تاجیکی بوده به فارسی برگردانده و در نقل همین‌ها به فارسی نیز دچار خطا شده و سرانجام کار به اینجا انجامیده که ملاحظه خواهید فرمود:

«همت» (ص ۱۶)، «گومت» (ص ۱۷)، «گومیت» (ص ۱۶۳) / «دانشناکستون» (ص ۱۵)،  
 «دانشناکسیون» (ص ۷۸) که البته درست آن دانشناکسوتیون است / «گارتویک» (ص ۱۷)،  
 «هارتوینگ» (ص ۹۲)، «گاراتویگ» (ص ۱۷۳) / «یفرم» (ص ۱۶۴)، «افرم» (ص ۱۷۵)،  
 «افوم داویدیاننس» (ص ۱۷۲) / «باطوم» (ص ۳۳)، «باتوم» (ص ۱۳۳) / «بخارا» (ص ۲۰۰)،  
 «بوخار» (ص ۲۰۹) / «پتروپاولفسک» و «پتروپالوس کی» (ص ۱۹۶)، «پتروپاوسک» (ص ۱۹۷)  
 در دو صفحه روبرو! / «خنجد» (ص ۲۰۰)، «خوجند» (ص ۲۰۱) / «اورتیا» (ص ۲۰۰)،  
 «اوراتپه» (ص ۲۰۱) / «گامیروف» و «دراگومیروف» (ص ۲۰۱) / «سارازف» (ص ۲۰۱)،  
 «سارازوف» (ص ۲۰۳) / «کوکند و خوقند» (ص ۲۰۴)، «کوکاند» (ص ۲۱۵) / «فرغان» (ص ۲۰۹)،  
 «فرگان» (ص ۲۱۲) / «سمریج» (ص ۲۱۶)، «سمریج» (ص ۲۱۸)، «سمیرچینسکی»

(ص ۲۱۹)، «سمی ررچینسکی» (ص ۲۱۹)، «سیمرچینسکی» (ص ۲۱۹). در دو صفحه مقابل هم ۲۱۸ و ۲۱۹ از یک نام ۴ ضبط وجود دارد!!  
تعداد زیاد دیگری از این نام‌ها وجود دارد که به جهت جلوگیری از طول کلام از اشاره به آنها خودداری و به همین نمونه‌ها اکتفا می‌نمائیم.

### جملات و عبارات نامفهوم، اشتباه و در هم

سر تا سر این کتاب انباشته از جملات و عباراتی است نامفهوم. به چند نمونه آن اشاره خواهیم کرد:

«اعضای این انجمن از همه طبقات اجتماعی شرکت داشتند» (ص ۶۶)، «از شب ۱۵ تا ۱۶ نوامبر آن سعی کردند توپخانه و انبار باروت را تصرف کنند داشتند» (ص ۱۹۴). «پس از انقلاب جمادی الاول ۱۳۲۶ قمری و فرار آزادیخواهان به خارج ایران، منجمه از این فراریان آقای دهخدا بود که سابقاً در جراید صوراسرافیل مقالاتی تحت عنوان چرند و پرند منتشر ساخت (ص ۵۴). به توپ بستن مجلس و کودتای محمدعلی شاه «انقلاب» و جریده یا روزنامه صوراسرافیل نیز «جراید» و شده است!! «۱. بعضی از اصل سیزدهم قانون اساسی مشروطه.» (ص ۱۲۰)، «متشویک‌ها مخالف حزب جنگاور انقلابی شبیه لنین هستند.» (ص ۱۳۷)، «دیگر حالت انقلابی در روسیه وجود نداشت، زیرا انقلاب‌های تازه‌تری وارد صحنه می‌کرد ولی بعد از هر صف آراییی ضعیفتر می‌گردید.» (ص ۱۴۳)، «وقتی پلیس وارد جلسه گردید، یکی از نمایندگان دوما از مصونیت پارلمانی خود استفاده نمود و اسناد را در کیف خود مخفی کرد و از دسترسی مأموران نجات داد. دولت به ناچار از نسخه‌های دوم این جلسات تنظیم استفاده کرد» (ص ۱۴۴)، «آثار تروتسکی و تروتسکیسم‌ها به نام، چون ایزک دوپچر، توسط ... به فارسی ترجمه شده است» (ص ۱۵۸)، «این انجمن نیز نقش مهمی در قیام تبریز و جنبش مشروطیت داشت و نقش بسیاری از آنها هیچ وابستگی به مارکسیسم نشان نمی‌داد.» (ص ۱۶۰)

### اظهار نظرهای غریب و متضاد

نویسنده در سرتاسر کتاب اظهارات ضد و نقیض، عجیب و غریب و نامفهوم بسیاری دارد و مرتکب اشتباهات فاحشی شده است که تحت هیچ شرایطی نمی‌توان آنها را در چارچوب سهو و خطا برشمرد.

چنین اشتباهاتی قابل پذیرش نیست:



«در ۱۹۰۵ حزب همت توسط عده‌ای از رهبران بلشویک محلی از جمله استالین، عزیز بیگف و زاپارادزه تشکیل شد» (ص ۱۶). تاریخ تشکیل همت ۱۹۰۴ است. استالین نیز در تشکیل آن نقشی نداشته و نام درست آن «رهبران محلی بلشویک» باید باشد.

«همت به مرور حزب بزرگی شده و دامنه فعالیت‌های آن گسترش یافته و از طریق اجتماع‌یون عامیون به ایران نیز وارد شد.» (ص ۱۶). آیا منظور و ورود اندیشه‌های سوسیال دموکراسی به ایران است؟

«از سال ۱۹۰۶، در شمال ایران به طور خیلی وسیع و حتی در تهران مجله فکاهی ملانصرالدین به زبان شیرین آذربایجانی در تفلیس انتشار یافت.» (ص ۱۹) منظور چیست؟

«طبقه کارگر که در آن هنگام [۱۹۰۶-۱۹۱۱] تشکیل یافته بود، نیروی محرکه این انقلاب بودند» (ص ۲۴). خوب بود نویسنده صناعی را هم که این طبقه کارگر در آنجاها مشغول به کار بودند و از نظر کمی و کیفی تا به این حد رشد کرده بودند که به عنوان «نیروی محرکه انقلاب» مطرح بودند به خوانندگان معرفی می‌نمودند!

«موضوعی که در باب مشروطه ایران بیشتر قابل توجه و تذکر است، عقب افتادگی عنصر متجدد و با سواد و درس خوانده و اروپا رفته کشور بود که از کاروان عدالت‌جویی و نهضت مشروطه طلبی به سوی آزادی در حرکت بودند.» (ص ۴۲). از این اظهار نظر نویسنده اولاً دانستیم که عناصر متجدد، عقب افتاده و واپس‌گرا هستند!! ثانیاً تلاش در جهت به دست آوردن آزادی هم به نوشته نویسنده از گناهان بزرگی بوده که عناصر تجدد خواه در انقلاب مشروطه مرتکب شده‌اند!؟

«این روزنامه [مساوات] در سیاست مشروطه‌خواهی، افراطی و لیبرال بوده است، رابینو در شماره ۱۸۸ می‌نویسد، از این روزنامه جمعاً ۲۵ شماره در تهران منتشر شد» (ص ۴۶). در پایان این پاراگراف با عدد تک شماره ۱، توضیحی به این شرح در پانویس آمده: «۱. تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران، ص ۱۵۶» نخست اینکه منظور از «افراطی و لیبرال» روشن نیست که آیا «لیبرال افراطی» مورد نظر است یا «افراطی و لیبرال» هر دو، که با یکدیگر جور در نمی‌آید. اما منظور از «رابینو در شماره ۱۸۸ می‌نویسد» چیست؟ رابینو در شماره ۱۸۸ کدام نشریه این مطلب را نوشته.

«پس از پیروزی مشروطه ... این افکار و تمایلات در برخی جنبش‌ها و ... از جمله شاخه- ای به نام انقلاب جنگل نمود یافت.» (ص ۶۰). جنبش میرزا کوچک خان جنگلی یک شاخه بوده؟ یا منظور این است که شاخه‌ای از یک حرکت بزرگتر بوده است؟ در این صورت آن حرکت و یا جنبش کدام بوده است؟

«... معلمان مدارس محلی روس و پزشکان که دارای ایدئولوژی دموکرات بودند» (۲۰۲).  
 «ایدئولوژی دموکرات!! چه مقوله‌ای است؟ «اما این انقلاب که در سال‌های ۱۹۰۵-۱۹۱۱ کشور را متحول ساخت دارای ویژگی فتودالی و ضد امپریالیستی بود که علیه نظام فتودالی خودکامه و ... روی داد.» (ص ۳۲). بنده از درک این موضوع عاجزم که چگونه انقلاب مشروطه «ویژگی فتودالی» داشته و «ضد امپریالیستی» [کدام امپریالیسم؟] نیز بوده و «علیه نظام فتودالی» نیز بوده است؟! ضمن اینکه باز هم تاریخ میلادی انقلاب مشروطه «۱۹۰۵» نوشته شده است.

«۲. روزنامه آژیر (روزنامه حزب عدالت تبریز)، سیزدهم آبان سال ۱۳۲۲، ص ۸» (ص ۱۶۰). نویسنده، آژیر را ارگان حزب عدالت، آن هم شاخه تبریز، در سال ۱۳۲۲ شمسی - یعنی بیست و اندی سال پس از تبدیل حزب عدالت به حزب کمونیست ایران - نوشته - اند!!؟

«کمتر از ۱۰ دسیاتین (۱/۰۹ هکتار)»، و در زیر نویس درباره دسیاتین نوشته شده: «همان دسیمتر است» اگر دسیاتین برابر دسیمتر است، پس آن «۱/۰۹ هکتار» چیست؟



## عدم انسجام فکری نویسندگان و نبود یک تحلیل یکدست در کار او

این پایان‌نامه از انجام تا پایان فاقد یک تحلیل یکپارچه و منسجم است. البته به دلیل استفاده گسترده از منابعی که در اتحاد جماهیر شوروی سابق چاپ شده است، در بسیاری از بخش‌های این کتاب، ما با یک تحلیل و ارزیابی مارکسیستی مواجه هستیم. ولی در عین حال به دلیل استفاده از آثار نویسندگانی که مارکسیست نبوده و به آن اعتقادی نداشته‌اند در بخش‌های دیگری نیز ارزیابی و تحلیل‌ها جنبه‌ای غیرمارکسیستی دارند.

البته تحلیل مارکسیستی به تنهایی نمی‌تواند عیب شمرده شود، این نوع تحلیل همانگونه که در چند دهه پیشتر در شوروی و کشورها و جریان‌های طرفدار آن وجود داشته می‌تواند طرفدارانی داشته باشد و متقابلاً هم مخالفانی. اما موضوع این است که آیا یک نوشته می‌تواند بخشی بر اساس تحلیل مارکسیستی استوار شده باشد و بخش‌های دیگر بر اساس تحلیل‌هایی کاملاً متضاد.

بارزترین تحلیل‌های مارکسیستی را می‌توان در بخش «دیدگاه تروتسکی و لنین در انقلاب ۱۹۰۵» از صص ۱۴۸ تا ۱۵۸ کتاب مشاهده نمود. آشنایان با تاریخ جنبش چپ در جهان و به ویژه نخستین کشور سوسیالیستی جهان - اتحاد جماهیر شوروی سابق - اختلافات رهبران حزب سوسیال دموکرات روسیه - حزب بلشویک بعدی - را با دیگر جناح‌های درون حزب مانند منشویک‌ها و ریشه‌های تفاوت دیدگاه‌های آنان را می‌دانند. اما روشن نیست، برای نویسندگان که واضح است به عنوان یک غیرمارکسیست به موضوع می‌نگریسته، چه فرقی می‌نموده که اساساً دیدگاه‌های لنین درست بوده است یا تروتسکی؟ که در توضیح پیرامون این موضوع به شکل زیرنویس در پایان همان بخش آورده شود: «آثار تروتسکی و تروتسکیسم‌ها [تروتسکیست‌های] به نام، چون ایزاک دویچر، توسط افرادی چون ... به فارسی ترجمه شده است. قبل از انقلاب زیر حمایت ساواک تروتسکیسم در مجله ماهنامه‌ای به نام جهان نو تبلیغ می‌شد. پس از انقلاب اسلامی، گروهک‌های امریکایی آن را تبلیغ می‌کردند.» (ص ۱۵۸)

صرفنظر از نشر این جمله - که دیگر به آن عادت کرده‌ایم و در این کتاب اصلاً عجیب نیست - باید از نویسندگان پرسید که آیا شما مارکسیست لنینست هستید یا یک استالینست، که این گونه جانانه در مقام دفاع از آن برخاسته و به تروتسکیسم تاخته‌اید؟ در همان بخش درباره سرنوشت حیدرخان عمواغلی آمده است: «تروتسکیست‌های احزاب کمونیست کشورهای دیگر نیز تصفیه شدند. از جمله سلطان‌زاده، از رهبران حزب کمونیست و رفیق حیدر عمواغلی، به اتهام تروتسکیسم توسط استالین معدوم شد»!!! (ص ۱۵۶). نویسندگان که از سرنوشت حیدرخان عمواغلی که یکی از برجسته‌ترین مجاهدان انقلاب مشروطه است

و تا کنون ده‌ها کتاب و مقاله پیرامون زندگی و مبارزات وی به چاپ رسیده چنین بی اطلاع می‌باشد، آیا رواست که به اظهارنظرهایی این چنین بپردازد؟

## فهرست منابع و ماخذ

در «فهرست منابع و ماخذ» ابتدا کتاب‌های که به اصطلاح مورد استفاده قرار گرفته‌اند معرفی شده‌اند. درباره کتاب آبراهامیان ایران بین دو انقلاب نوشته شده: «این کتاب در سال ۱۹۴۵ میلادی به چاپ رسیده که پایان‌نامه دکتری آبراهامیان می‌باشد» (ص ۲۳۴). ولی اگر کتاب در سال ۱۹۴۵ میلادی به چاپ رسیده، چگونه آبراهامیان در مورد حوادث سال‌های ۱۹۷۸ میلادی هم در کتاب خود - اگر چه به اختصار - مطالبی دارد؟!

«ایوانف. ام. سی، بخش‌هایی از تاریخ ایران آکادمی علوم روسیه ۱۹۵۲... به زبان روسی به فارسی ترجمه شده است» نخست اینکه نام نویسنده باید به این صورت: ایوانف. م. س نوشته می‌شد و دیگر اینکه اگر کتاب در سال ۱۹۵۲ منتشر شده، چگونه نویسنده کتاب خود را با اشاره به سال ۱۹۷۶ به پایان رسانده؟

در دو ردیف ۶ و ۷ نوشته شده: «ایرانسکی. س. اولوویچ و تریا، اعلامنامه انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه هوشیار» نخست اینکه چنین کتابی با این اسم وجود خارجی ندارد و نام اصلی آن انقلاب مشروطیت است. دوم آنکه نام نویسندگان کتاب باید به این صورت می‌آمد: «پاولویچ. م. پ، ایرانسکی. س. تریا و ...» سوم چرا این کتاب در دو ردیف تکرار شده؟ یعنی از هر دو چاپ آن استفاده شده است؟ در ردیف ۶ سال تحریر کتاب «سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۳۰» و سال ترجمه آن «۱۳۳۹ ش» و ناشر آن «کتابخانه جیبی» نوشته شده است در حالی که کتاب در ۱۹۲۶ به چاپ رسیده و سال انتشار آن به تصریح مترجم در مقدمه کتاب ۱۳۲۹ ش است و ناشر آن هم «شرکت سهامی کتاب‌های جیبی» است و نه «کتابخانه جیبی»!! بعد هم سر سطر پایین‌تر و در ردیف ۷ نوشته شده «ترجمه هوشیار سال انتشار ۱۳۳۰ تهران».

در ردیف ۹ نام براون «براون» نوشته شده که جای هیچ گونه تعجیبی ندارد و کاملاً عادی است. اما هیچ اشاره‌ای به سال انتشار و نام مترجم کتاب او نشده است. در ردیف ۱۰ باز هم نام مترجم، سال انتشار و نام ناشر وجود ندارد. در ردیف ۱۲ نویسنده کتاب مشهور «حیات یحیی» که اتفاقاً نام کوچک نویسنده آن بر روی کتاب است، اثر «محمود دولت آبادی» معرفی شده است!!

در ردیف ۱۵ نوشته شده: «زکی. ولیدی، مترجم، طوغان، قیام باسماجیان، ۱۳۸۶، تهران، صص ۶۵ تا ۶۸» صرف‌نظر از غلط بودن شیوه ضبط اطلاعات که شبیه به زیرنویس است و نه

کتابنامه، نویسنده، از شخص «زکی ولیدی طوغان» دو آدم ساخته! یکی نویسنده به نام «زکی ولیدی» و دیگری مترجم به نام «طوغان»! کتاب قیام یاسماچیان از ماخذ مدخل «یاسماچیان» است که در دانشنامه جهان اسلام به چاپ رسیده و سپس به صورت کتاب مستقلی چاپ شده و مترجم آن نیز آقای علی کاتبی است.

بخش بعدی فهرست منابع و ماخذ، به «روزنامه‌ها و مجلات اختصاص یافته.

در ردیف ۳۹ و ۴۰ این بخش، شیوه ارجاع غلط و سال انتشار روزنامه ایران نو هم، «۱۳۲۸ هـ ش» قید شده. در ردیف ۴۱ کتاب آبی به عنوان روزنامه معرفی شده است! تاریخ انتشار تازه بهار در ردیف ۴۲، «۱۳۲۶ هـ ش» و جبل‌المتین، «۱۳۲۶ هـ ش» نوشته شده است. در صورتی که سال میلادی انتشار جبل‌المتین که در همانجا ۱۹۰۷ م نوشته شده به روشنی نشان می‌دهد که این تاریخ شمسی نیست و باید قمری باشد. در ردیف ۴۷، باز تاریخ انتشار دو شماره از روزنامه صوراسرافیل، «۱۳۲۴ ش و ۱۳۲۶ ش» نوشته شده است. همچنین در ردیف‌های ۴۸، ۴۹، ۵۰ و ۵۱ باز به اشتباه تاریخ انتشار برخی از جراید به شمسی نوشته گردیده که غلط است.

سپس در ادامه این بخش سر و کله چند کتاب مانند: «رسول زاده، فرقه دموکرات و تحولات معاصر ایران»، «از صبا تا نیما»، «کتاب نارنجی، لنین جلد ۱۴» [که حتماً مجموعه آثار لنین است]، ارجاعات به نقل قول‌های شفاهی - که حتماً نویسنده آنها را در زمره جراید دانسته - و تعدادی کتاب به انگلیسی پیدا می‌شود! البته با اشتباهات عجیب و غریب همچنین تکرار، غلط‌های ویرایشی، چاپی و به هم ریختگی.

### مقدمه کتاب و پیشگفتار

طبق روال عادی، و بر اساس اولویت، نخست باید پیشگفتار و مقدمه این اثر را بررسی می‌کردیم. اما تا پیش از پرداختن به موضوع‌هایی که به آن اشاره شد، این کار سود چندانی نداشت. اما حال با در نظر گرفتن آنچه نوشته شد، می‌توان درباره مقدمه این اثر نیز چند سطری نوشت.

نویسنده در زیرنویسی درباره شهر دوشنبه - پایتخت کشوری که ایشان در آنجا از پایان‌نامه - ایشان دفاع کرده‌اند - چنین نوشته‌اند: «دوشنبه نام شهری است که دارای قدمت تاریخی بوده که در گذشته به استالین‌گراد موسوم بوده است» (ص ۷). همین اتفاق درباره چند شهر دیگر، مانند خجند نیز افتاده و ایشان نام سابق خجند را «لنین‌گراد» (ص ۹)، نوشته‌اند، در صورتی که این دو شهر «استالین‌آباد» و «لنین‌آباد» نام داشته‌اند.

سپس ایشان اشاره کرده‌اند: «دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت خارجه ... اسناد و مدارک ارزشمندی را در اختیار من گذاشتند.» (ص ۸). اما در هیچ کجای این پایان‌نامه، نمونه‌ای از ارجاع به این «اسناد و مدارک ارزشمند» را نمی‌بینیم؟! در جای دیگر ایشان اشاره به خرید «نسخه دستنویس» روزنامه‌های حبل‌المتین و انجمن تبریز کرده‌اند (ص ۹). توجه بفرمائید نسخه‌های دستنویس این دو روزنامه!!

بدون اغراق چنانچه اگر قرار بر این می‌گرفت تا تمامی موارد خطاها و اشتباهات این پایان‌نامه را برشمردیم، باید ده‌ها صفحه دیگر را پر می‌کردیم که عملاً ناممکن، از حوصله خوانندگان خارج و در نهایت کاری بیهود و اتلاف وقت بیشتر بود.

### سخن پایانی

در یک کلام، این پایان‌نامه جز بر انتحال - البته آن هم بسیار ناشیانه - بر روش دیگری استوار نبوده و طبیعتاً و هیچ نکته نو و تازه‌ای در آن وجود ندارد. در آن از نقد و بررسی منابع و سنجش میان داده‌های آنها هیچ اثر و نشانی نیست و در سرتاسر کتاب با انواع سخنان و تحلیل‌های ضد و نقیض روبرو هستیم و همچنین مطالبی سراسر اشتباه، نادرست و اظهار نظرهای عجیب و غریب. هنگامی که این ویژگی‌ها را مورد توجه قرار می‌دهیم سخت در عجب خواهیم شد که آیا واقعاً چنین چیزی امکان‌پذیر است؟ ما در کجا قرار گرفته‌ایم که در عرصه پژوهش نیز آشفتگی و ناراستی تا به این اندازه رونق یافته است؟

در این میان ناشر کتاب هم بی‌تقصیر نیست. جای آن است که از مسئولان انتشارات امیرکبیر نیز پرسیده شود با کدام ارزیابی و کارشناسی کاری چنین کار بی‌ارزش و ساختگی را سزاوار چاپ و انتشار دانسته‌اند؟ آیا در سرتاسر این مؤسسه انتشاراتی حتی یک نفر که با موضوعات و رویدادهای مورد بحث کتاب آشنا باشد، وجود نداشته که بی‌ارزش بودن و در خور چاپ نبودن این اثر را گوشزد نماید و جلوی انتشار آن را - که اعتبار مؤسسه را زیر سوال برده - بگیرد؟

### یادداشت‌ها:

۱. محسن حقیقی: روسفیکاتیا، رسوبات روسی در پژوهش‌های پس از فروپاشی شوروی، جهان کتاب، سال دهم، شماره ۵ (۱۹۷۰ مسلسل)، شهریور ۱۳۸۴، ص ۲۵.
۲. امیر هوشنگ بختیاری: معرفی و نقد کتاب، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال ششم، شماره ۲۳: تابستان ۱۳۸۴، صص ۳۸۷-۴۰۰.
۳. آناهید ترمیناسیان، ریچارد جی. هوانسیان، بل دمون و خسرو شاکری، قفقاز در تاریخ معاصر، مترجمان کاوه بیات و بهنام جعفری، تهران: انتشارات پروین، ۱۳۷۱

ایران - تهران - صندوق پستی: ۱۴۸۸-۱۳۱۴۵

## فرم اشتراک

فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو مجله‌ای است که از طریق مقالات، نقد و تفسیر اخبار به بررسی و ارزیابی مسائل اجتماعی و فرهنگی ایران و جهان می‌پردازد.  
تک‌فروشی و حق اشتراک مهم‌ترین منابع تامین مخارج این نوع نشریات هستند. در صورتی که روش گفتگو را می‌پسندید و ماندگاری آن را برای فرهنگ و جامعه مفید می‌دانید ما را یاری کنید.

شرایط اشتراک (تمام مبالغ زیر شامل هزینه پست نیز می‌شود):

داخل کشور:

بهای اشتراک سالانه (۴ شماره) داخل کشور شش هزار تومان است. برای موسسات و کتابخانه‌ها دوازده هزار تومان و برای محصلین و دانشجویان پنج هزار تومان.

بهای اشتراک دوسالانه (۸ شماره) در داخل کشور دوازده هزار تومان است. برای مؤسسات و کتابخانه‌ها بیست و چهار هزار تومان و برای محصلین و دانشجویان ده هزار تومان.

تک شماره‌های قبلی هر شماره ۱۵۰۰ تومان

دوره‌های مجلد هر جلد با ۸۰۰۰ تومان

خارج کشور:

یکساله معادل \$۴۰ آمریکا

دوساله معادل \$۷۰ آمریکا

کتابخانه‌ها معادل \$۸۵ آمریکا

تک شماره‌های قبلی هر شماره ۱۰ \$ آمریکا

دوره‌های مجلدشده هر جلد ۴۰ \$ آمریکا

متقاضیان می‌توانند وجه اشتراک را نقداً به نماینده مجله بپردازند و رسید دریافت کنند. یا وجه اشتراک را به حساب جاری شماره ۵۶۷۸/۵ بانک ملت شعبه بلوار کشاورز به نام مراد ثقفی واریز کنند و اصل برگه را با ذکر نشانی دقیق (با فید کدپستی) به نشانی صندوق پستی مجله ارسال کنند.

نام و نام خانوادگی: .....

نشانی: .....

.....

تلفن: ..... نشانی پست الکترونیکی: .....

نشر هزار منتشر کرده است:

چاپ دوم



آذربایجان  
آران

آذربایجان و آران  
هفتاد و هفت آله رهساز



ریشه‌های کمونیزم روسی و مله‌مردان  
تنگانی بردبار / اگرچه مقامت الله رهساز

✓ نسب‌نامه آریایی  
مردمان آذربایجان



آریایی  
زبان باستان آذربایجان

آریایی با زبان باستان آذربایجان  
اسم کسوفی آریایی

✓ آشنایی با منبع الهام  
جنبش‌های آزادی‌بخش  
قرن بیستم



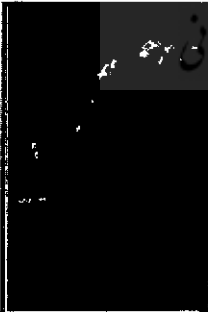
ایران انقلاب گهفت  
فاطمه ملک‌زاده

✓ آشنایی با  
زبان آذربایجان  
پیش از زبان ترکی



آشنایی با زبان آذربایجان  
پیش از زبان ترکی

✓ آشنایی با  
پیشینه اندیشه دینی  
در ایران



میراث چهارم را الهوت بهم  
رویا آریان

✓ مجموعه چهل  
افسانه ایرانی

مرکز پخش:

گزیده: ۶۶۴۰۰۹۸۷

نشر و پخش هزار: ۶۶۴۸۷۴۴۲



# ادبیات و تاریخ ... از گذشته تا امروز



## جهان کتاب

در مجله

- از تازه‌ترین کتابهای انتشار یافته در داخل و خارج کشور باخبر شوید
- نقدهای صاحب‌نظران را بر کتابهای جدید بخوانید
- با اهل قلم: مؤلفان، مترجمان و پدیدآورندگان کتاب آشنا شوید
- از مسائل نشر ایران اطلاع یابید
- بهترین کتابها را برای مطالعه خود و نزدیکانتان انتخاب کنید
- و دهها مطلب جالب و خواندنی دیگر را نیز بیابید

نحوه اشتراک: مبلغ اشتراک را به حساب جاری  
 ۱۴۱۵۰ نزد بانک ملت شعبه زهره به نام  
 مؤسسه جهان کتاب واریز کرده، اصل فیش  
 بانکی را به همراه برگ اشتراک تکمیل شده،  
 به نشانی نشریه ارسال فرمایید. ● بهای  
 اشتراک در داخل کشور: برای اشخاص ۴۰۰۰  
 تومان و برای مؤسسات ۵۰۰۰ تومان  
 است. ●

● صندوق پستی ۷۷۶۵-۱۵۸۷۵  
 ● تلفن: ۲۰-۰۱۹۰۶۳۴۳۰۷۷

برگ اشتراک

● نام و نام خانوادگی: .....

● نام مؤسسه: .....

● تاریخ شروع اشتراک: .....

● نشانی و شماره تلفن: .....

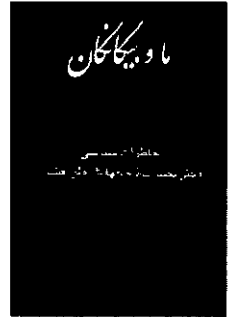
.....

.....



انتشارات سمرقند منتشر کرد:

تلاش نافرجام  
برای  
تجزیه آذربایجان  
هوشنگ طالع



تجزیه بحرین  
هوشنگ طالع

ما و بیگانگان

متن کامل خاطرات سیاسی

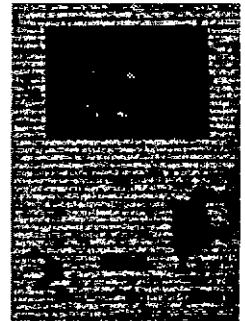
دکتر نصرت‌الله جهانشاهلو

عضو گروه ۵۳ نفر

مؤسس سازمان جوانان حزب توده

معاون جعفر پیشه‌وری

چکیده  
تاریخ تجزیه  
ایران  
هوشنگ طالع



تاریخ تمدن و فرهنگ

ایران کهن

پژوهش: دکتر هوشنگ طالع

تلفن مرکز پخش:

۶۶۴۰۰۹۸۷

گزیده:

۶۶۴۱۴۲۳۰

پویای معین:

۶۶۹۷۰۴۸۴

انتشارات سمرقند:

۶۶۴۸۷۴۴۲

نشروپخش هزار: